

دیدگاه

ریشه ناکارآمدی در توسعه اقتصادی کجاست؟



ولی قهیمنی
کارشناس برنامه‌ریزی

● غلطاندن سنگ‌های دوران ناکارآمدی و توهم بی‌بنیاد در مسیر حرکت مردان توسعه و کارآمد یا حذف ظرفیت‌های توانمند، همواره جامعه را دچار تردید، تشکیک و تأمل در عملکرد مدیریت آینده‌نگر کرده و پذیرش مهلت برای مردم در رسیدن به هدف را موشوش کرده و تلاش‌ها را برای اداره امور در فضای روزمرگی، برگشت به عقب و بازکردن گره‌های ایجادشده و در حال ایجاد توسط نااهلان و خودخواهان فارغ از منافع ملی در حوزه‌های تشنش‌زا محدود و محصور می‌کند و به‌دور از هرگونه تعامل و تفاهم به جای مشارکت در طراحی آینده و ترسیم نقشه توسعه پایدار، با تمام توان در بی‌نامهوارکردن مرکب سوارکاری توسعه کوشیده و تخریب و تهدید را یک رسالت اخلاقی قلمداد کرده و فریاد تظلم‌خواهی سر می‌دهند. این رفتارهای بدفرجام را وجهه همت و لیاقت خود قرار داده و بر آن پافشاری می‌شود تا جریان اقتصادی در معرض تهاجم ویرانگر قرار گیرد و حال آنکه چون دوری جامعه در حال گذر از دالان پرفشار تاریخ افواهی و شنیداری است و نه حسنی و دیداری، هرگز به عمل در پیمودن راه درست فرصت داده نمی‌شود تا قهرمانان واقعی شناخته شوند. این رویکرد با پشতوانه هیجانات احساسی، مدیریت عمل‌گرا و دانش‌بنیان را دچار تزلزل و شبهه کرده و در دوران بلوغ توسعه، درست ارزیابی نخواهد شد و با بغض از تقابل در مرحله اولیه بلوغ و مقاومت، ملامت، ندامت و ناشکیبایی مواجه و برنامه‌های اصلی و محورهای بنیادی توسعه در کوره‌راه‌ها و بیراهه‌های جوسازی و فراقفتی با افت انرژی و کاهش شتاب حرکت در عبور از گردنه‌های پیش‌رو دچار مشکل شده و در تدبیر چالش‌های ایدایی در حاشیه راه، نگاه مدیریت را از متن منحرف و رسیدن به هدف را در تدوین استراتژی عقیم می‌کنند و بالاخره ناکامی را بر او تحمیل و در آشفته‌بازار مدیریت تشخیص سره از ناسره را دشوار می‌کند. با این فراز کوتاه در اینجا به چند نمونه و مصداق سسنگ‌های از قله پرتاب‌شده به معبر توسعه و مسدودکننده راه آینده پرداخته که مراحل تنظیم برنامه‌های اقتصادی را متوقف می‌کند و به سمت بی‌تعادلی سوق می‌دهد اکثفا می‌شود تا خود حدیث مفصلی از چگونگی کارکرد دولت‌مردان غرق‌شده در این گرداب هولناک و آینده‌بیار تاریک همراه با تشدید و بحران اقتصادی پیش‌رو باشد.

۱- یارانه غیرهدفمند و تداوم اجرای آن، که قصد مجری آن یارگیری بود و نه توسعه اقتصادی و اجتماعی که برخلاف حرکت توسعه، دریا را به قطره و شرایط توسعه را به تهدید و تخریب تبدیل و ادامه راه را بسیار دشوار و آسیب‌پذیر کرده است. ۲- مسکن هم‌پایه‌سازی که با ورود دولت به سرمایه‌گذاری و ساخت مسکن عمومی که در هیچ جامعه‌ای متداول نیست، هجوم عواقب آن به اقتصاد ملی را شاهدیم. ۳- سفرهای استانی در تعارض با منافع ملی و بدون مطالعه و تشخیص اولویت در برنامه‌های توسعه یکپارچه و نهایتاً تعهدات سنگین در انجام امور غیرمهم و غیرضرور و هزینه‌ساز است. ۴- حذف شرایط احراز شغل و به‌کارگیری عناصر نمایشی در اداره امور و بی‌اعتنایی مزمن به عقول منقصل و مشاوران خبرخواه در اداره کشور. ۵- تفککر بدبینانه‌گیز موفق و مخالف و منفی‌شدن برآیند، حرکت در موازنه برادرهای تخریب به جای توسعه، با کوبیدن بر طبل تفرقه. ۶- اشاعه و تعمیم فساد از حوزه‌های متمرکز و خاص به حوزه‌های گسترده و عمومی جامعه در تمامی ابعاد آن با پیچیدگی در کنترل گردش کارها.

۷- ایجاد فرصت با پرچم اصولگرایی برای وصول‌گرایی توسط عده‌ای محدود و رسیدن به ثروت‌های نجومی از طریق رانت و رابطه. ۸- تغییر فرهنگ تولید ثروت از کار نکردن به سرکارگزاردن دیگران!! و تاختن اسب مراد در میادین آشفته و در حال انتظار مردم امیدوار. ۹- محدودکردن حوزه انتخاب مدیران در مدیریت کشور در دایره کوچک ترسیم‌شده با پرگار قفل‌شده.

۱۰- دخالت نامحدود دولت عیال‌وار و نیازمند در تمامی امور و به‌حاشیه‌راندن بخش خصوصی واقعی و مولد و صاحب توانمندی، زیرا در این موقعیت حساس کنونی قطار توسعه بدون انرژی در مسیر به‌شدت نامووار پیش‌رو جز به همت، تلاش و اتحاد یکپارچه ملت در خلق منابع جدید با کار و تولید مستمر و نوآوری مبتنی بر دانش، تکنولوژی، برنامه‌ریزی و مدیریت هوشمند توام با لطف و عنایت خداوند متعال به مقصد نخواهد رسید.

در نهایت هرکدام از این‌ سرفصل‌ها خود می‌تواند کتاب مفصلی در چندچون موضوع و روشنگری در تنظیم اهداف برنامه ششم توسعه باشد تا با پیشگیری از حوادث احتمالی، آینده مصون از زیان‌های ناکارآمدی شود.

اگر چه صنعت نفت ایران، قدمتی بیش از یک قرن دارد اما دانش و تکنولوژی این صنعت بین‌المللی، در حد و اندازه این کارنامه قدیمی و پرنشیب‌وفراز، بومی و داخلی نشده است. آغاز دوره تحریم‌های ظالمانه و غیرمنصفانه و گسترش آنها، درعین‌حالی که فرصتی را پیش‌روی شرکت‌های ایرانی قرار داد تا رشد کنند و قابلیت‌های بومی آنها تقویت شود اما صنعت نفت همچنان از دو دیدگاه به دانش و تکنولوژی شرکت‌های خارجی نیاز دارد؛ نخست اینکه ایران در بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نفتی و کاری خود، زیان‌های میلیارددلاری متحمل شده است؛ زیرا کشورهای غربی با تکیه بر دانش و تکنولوژی شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) حجم برداشت نفت و گاز از این مخازن مشترک با ایران را به بالاترین رقم‌ها رساندند. در چنین شرایطی، بسیاری حیاتی بود تا مدل قراردادی جدید و همه‌جانبه‌ای طراحی شود تا در بستر آن، طرح‌های توسعه میدان‌های هیدروکربوری ایران به شکلی اجرا شود که ضمن بهره‌برداری بهینه، ضامن انتقال فناوری و دانش فنی روز صنعت نفت به داخل شود و شاخص‌های بهره‌وری این صنعت را افزایش دهد. ازاین‌رو در وزارت نفت دولت یازدهم مدل جدید قراردادهای نفتی موسوم به «IPC» طراحی شد که این مدل جدای از ایرادهایی که به آن وارد بود و در چند مرحله برطرف شد، این قابلیت را دارد تا ضمن پایبندی به منافع ملی و تحقق آن، شرکت‌های خارجی را در یک تعامل «برد-برد» برای حضور در طرح‌های توسعه‌های صنعت نفت ترغیب کند. برخلاف آنچه برخی جناح‌های صاحب قدرت و سرمایه، نگاهی سیاسی به این قراردادهای جدید دارند، در تلاشند تا با ایجاد شائبه‌هایی که از متن این مدل قرارداد استخراج می‌کنند، افکار عمومی را به سوی مخالفت با سیاست‌های توسعه‌ای صنعت نفت ایران سوق دهند؛ این در حالی است که در این نوع قرارداد، نفع‌تها مخزن، بلکه حتی یک پیچ از تأسیسات هم به شرکت‌های خارجی واگذار نمی‌شود و به‌نوعی می‌توان آن را نسخه بهینه، اصلاح‌شده و پیشرفته بیع متقابل ارزیابی کرد که از برطرف‌شدن ایرادهای نسل سوم قراردادهای بیع متقابل حاصل شده است.

چرا IPC را باید IOCها اجرا کنند؟

ایران بزرگ‌ترین دارنده مجموع ذخایر نفت و گاز در دنیااست اما باین‌حال، صنعت نفت کشورمان به‌تدریج در حال گذر از دوره تولید نفت ارزان است، به‌طوری‌که ذخایر هیدروکربوری در حال کاهش است که دراین‌میان، اهمیت اجرای طرح‌های بازیافت ثانویه دوچندان می‌شود. هم‌اکنون در تمدن هیدروکربنی غرب رودخانه کارون، صنعت بازیافت (Recovery Factor) بین پنج تا هشت درصد است، درحالی‌که این امکان وجود داشت تا با بهره‌گیری از دانش فنی روز این عدد به بیش از ۲۰ تا حتی ۳۰ درصد برسد. آنچه به نام انتقال دانش فنی و تکنولوژی روز تعریف می‌شود، درواقع توان به‌کارگیری تکنولوژی‌های روز دنیا از طریق عقد قراردادهای دو سر برد با شرکت‌های صاحب دانش بین‌المللی است که بر مبنای آنچه در



حامد میرفضلی
کارشناس مالی و اقتصادی

در عصر حاضر پرداخت مالیات توسط شهروندان هر کشور از کارکرد اجبار در تأمین منابع درآمد دولت‌ها برای صرف مخارج جاری یا ارانه خدمات عمومی فراتر رفته و مفهومی سیاسی- اجتماعی به خود گرفته است. به این معنا که از یک سو به میزانی که شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی متعهد به پرداخت مالیات شده‌اند، به همان میزان نیز وابستگی دولت‌ها به لایه‌های مختلف جامعه و به‌تبع آن الزام دولت‌ها به پاسخ‌گویی به نیازهای ایشان افزایش یافته و از سوی دیگر احساس تعهد جمعی در سهم‌بوندن هریک از آحاد مردم در پیشرفت و آبادانی کشور و ایجاد فرصت‌ها برای شهروندان و نقش آنان در تعیین آینده اقتصادی و اجتماعی خود پررنگ‌تر شده است. از همین روست که پرداخت‌نکردن مالیات با کتمان درآمد در کشورهای توسعه‌یافته نقطه به‌عنوان یک جرم اقتصادی بلکه عملی علیه منافع عمومی تلقی می‌شود و به‌تبع آن احکام بسیار سنگینی برای خاطیان صادر می‌شود. متأسفانه در ایران نفع‌تها مالیات فاقد کارکردهای مذکور بوده بلکه پرداخت‌نکردن مالیات به معنای هوش و ذکاوت فرد و حتی به‌عنوان یک امتیاز نزد شهروندان شناخته‌شده و قانون‌گذار نیز تا پیش از اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱مجلس شورای اسلامی)

اقتصاد



مرزگشایی از IPC

رابین جاوید . کارشناس مسائل نفت

قراردادهای نفتی جدید طراحی شده است، این دانش به‌تدریج و در طول اجرای قرارداد، به شرکت‌های ایرانی منتقل و نیروهای ایرانی جایگزین نیروهای خارجی می‌شوند. ازسویی دیگر اما‌رها نشان می‌دهد در برداشت از میدان مشترک پارس جنوبی، تولید میعانات گازی (Condensate) و فشار گاز خروجی از چاه‌ها، کاهش یافته و مدیران شرکت ملی نفت ایران را نگران کرده است، ازاین‌رو، باید با کار هوشمندانه‌تری توسعه پارس جنوبی و تولید از آن را ادامه داد. شرکت‌های نفتی ملی همچون شرکت ملی نفت ایران (NIOC) برای دستیابی به فناوری‌های روز مورد نیاز دراین‌زمینه، لازم است شرکت‌های خدماتی (Service Company) و شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) که صاحبان اصلی دانش فنی و تکنولوژی‌های روز در صنعت نفت دنیا هستند، همکاری مشترکی شکل بگیرد. باید توجه داشت که صنعت نفت، صنعتی بین‌المللی است و شرکت‌ها و کشورهای نفتی ناگزیر به ارتباط با همدیگر هستند.

در شرایطی که همسایه‌های ایران با شتاب روزافزونی در حال رشد تولید و استخراج از مخازن مشترک با کشورمان هستند، برای توسعه ۶۰ میدان هیدروکربوری در گستره جغرافیایی متنوع ایران، نمی‌توان فقط به توان شرکت‌های داخلی و شرکت‌های متوسط بین‌المللی اکتفا کرد. این شرکت‌ها در توسعه میدان‌های هیدروکربوری، سه ابزار سرمایه، مدیریت و تکنولوژی را به طور هم‌زمان به کار می‌گیرند. تکنولوژی متعلق به خود این شرکت‌ها و در انحصار آنهاست. شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) همیشه در تکنولوژی از شرکت‌های خدماتی (Service Company) جلوترند؛ برای مثال، شرکت نفتی شل، مرکزی با‌عنوان «Shell Global Solutions» در هلند قرار دارد و مطالعات و تحقیقات میلیار دلاری در بخش‌های بالا و پایین‌دستی صنعت نفت انجام می‌دهد

کوه یخ مالیات

فرار مالیاتی را جزء جرائم کیفری تلقی نکرده است.

با اینکه در بخش اطلاعات مربوط به حجم قاچاق کالا و فرار مالیاتی در کشور به‌شدت با تشدید آماری مواجه هستیم، باین‌حال بررسی‌های کارشناسی و اظهارات مسئولان مربوطه نشان می‌دهد بین ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار از کالاها و خدمات موردنیاز از مبادی غیررسمی و بدون هرگونه کنترلی وارد چرخه بازار می‌شود. متأسفانه در سال‌های گذشته به دلیل کنترل و بازرسی نکردن کامل محموله‌ها از سوی گمرکات و بنادر کشور این معضل تشدید شده است. به‌عنوان مثال طبق اظهارات سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا «در بندر مرجعی مثل بندر شهید رجایی روزانه چهار هزار کانتینر جابه‌جا می‌شود و بضاعت سازمان بنادر در حد نظارت بر حداکثر ۲۰۰ کانتینر است؛ این یعنی کنترل تنها پنج درصد اقلام. در چنین شرایطی و در خوشبینانه‌ترین شکل، کف فرار مالیاتی و دسترس‌نداشتن دولت به منابع درآمدی از این محل سالانه ۷۵ هزار میلیارد تومان است. حال اگر ما کتمان درآمد با حساب‌سازی را نیز به این ارقام اضافه کنیم، آن‌گاه عمق فاجعه روشن‌تر و لزوم مبارزه گسترده با طاعون فرار مالیاتی برای ما پررنگ‌تر خواهد شد. برای درک بهتر موضوع و در یک مقایسه آماری، مبلغ سالانه فرار مالیاتی برابری می‌کند با: دو سال بارانه نقدی، ۱۱ سال بارانه نان، ۱۱۵ برابر بارانه نهاده‌های کشاورزی، شش برابر درآمد سالانه گمرک ایران، هشت درصد بودجه کل کشور، ۱٫۳ برابر بودجه طرح‌های عمرانی، امکان ایجاد سالانه ۵۰۰ هزار شغل پایدار با پرداخت ۵۰۰ میلیون‌تومانی به بیش از ۱٫۵ میلیون نفر.

مناطق آزاد رودرو با قاچاق کالا

صادرات و واردات مصوبه سال ۱۳۲۲ و ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی آن، مسافرانی که از مناطق آزاد تجاری- صنعتی به کشور وارد می‌شوند، به‌مثابه مسافران خارج از کشور بوده و می‌توانند کالا به ارزش حداکثر ۸۰۰ دلار با معافیت از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و مازاد بر ارزش مذکور را بر پرداخت حقوق گمرکی و دو برابر سود بازرگانی وارد و ترخیص کنند. از این اقلام که فهرست آن هرساله از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود، ترخیص کالا‌های حجیم مسافری شامل یخچال، یخچال‌فروز، تلویزیون رنگی، ماشین لباسشویی و رادیویضط غیرتابل از مناطق آزاد ممنوع شده است. لازم به توضیح است مجموع واردات کالا به صورت مسافری نیز برای مناطق آزاد هفت‌گانه، جمعا ۳۶۰ میلیون دلار است که مسافران و گردشگران با سفر به این مناطق ضمن بازدید از جاذبه‌های مناطق با خرید کارت سبز گمرکی نسبت به ترخیص کالای خریداری‌شده خود از طریق گمرک مستقتر در در خروج مناطق آزاد ایران اقدام می‌کنند. به علاوه دوران تجارت چمدانی مدت‌هاست که از مناطق آزاد رخت برسته است و اینکه رئیس گمرک اظهار کرده که آیا واقعا با ۸۰۰ دلار یک مسافر می‌تواند مسافرت خارجی داشته باشد که چنین سقفی را برای او در نظر می‌گیرند، از آن مسائلی است که به گمرک مربوط است و مناطق آزاد هیچ نقشی در تعیین میزان آن ندارند. نوع دیگر واردات از مناطق آزاد، مربوط به ماشین‌آلات، مواد اولیه و قطعات واسطه است. این نوع واردات مختص

قراردادهای نفتی (IPC) وارد می‌کنند، بدون توجه به پیشینه بیش از یک قرن سابقه قراردادهای نفتی در ایران و بدون ارزیابی رفتار و راهبرد شرکت‌های نفتی بین‌المللی در این زمینه، نقد اصولی، کارشناسی و پرمایه‌ای نخواهد بود، زیرا در هیچ نقطه‌ای از متن قراردادهای جدید نفتی نامیده است که مخزن را به شرکت‌های خارجی تحویل دهد و آن را به امان خدا رها کند. منتقدان قراردادهای جدید نفتی در بسیاری از نقدهای خود به این مدل قرارداد، تصور می‌کنند تدوین‌کنندگان افرادی غافل هستند که ایرادهای مطرح‌شده به این مدل قرارداد از چشم آنها دور مانده است، درحالی‌که به‌طورقطع، این ایرادها از چشم طراحان آن دور نمانده است، اما در گام نخست تا زمانی که قراردادی اجرایی نشده، نمی‌توان هر ایرادی را به قرارداد وارد و آن را برطرف کرد. تا زمانی که وزارت نفت در مسیر دستیابی به مدل قراردادی کامل، بی‌نیص و کارآمد، انرژی و وقت خود را پیوسته برای قانع‌کردن همه جناح‌ها و گروه‌ها و کارشناسان و منتقدان صرف کند، به‌طورقطع به جایی نخواهد رسید. مقصد «IPC»، توسعه میدان مشترک در سریع‌ترین زمان ممکن و با هدف حداکترسازی منافع ملی است. به طور طبیعی موانعی در این مسیر وجود دارد که باید برطرف شوند، اما نباید این موانع موجب توقف و نرسیدن به مقصد شود. باین‌حال، بدیهی است همان‌طور که رهبر معظم انقلاب هم تأکید کردند، قراردادی که صددرصد منافع ملی را حفظ نکند، امضا نخواهد شد؛ ضمن اینکه تیم شرکت ملی نفت ایران هیچ‌گونه گرایش سیاسی‌ای به جناح خاصی ندارد و مدل جدید تنها وسیله‌ای برای افزایش سرعت‌عمل و جذب سرمایه بیشتر است و نباید با آن برخورد سیاسی کرد.

شرکت‌های ایرانی در کنار کمپانی‌های نفتی

مدل «IPC»، سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران را نفع‌تها به نحوی ساماندهی می‌کند که موجب حذف شرکت‌های ایرانی نشود، بلکه براساس مفاد قرارداد، این الزام مشخص شده است که طرف خارجی از تمام توان و مشارکت طرف ایرانی استفاده کند. اجازه سکوسازی و ساخت خطوط لوله به‌هیچ‌عنوان در خارج از کشور داده نخواهد شد و پیمانکاران EPC (طراحی و تأمین تجهیزات و اجرای پروژه) در کشور فعالیت‌های بالاشگاهی را انجام خواهند داد. دراین‌میان، شرکت خارجی تنها در مباحث پیچیده و فنی که مربوط به مهندسی مخزن و شتاب‌بخشی به کار، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌است، کمک می‌کند؛ تا نفع‌تها شرکت‌های ایرانی در این پروژه‌ها شریک باشند، بلکه به همه لایه‌های کاری نیز حضور یابند. براین‌اساس، با استفاده از سرمایه‌گذار خارجی، طرح‌هایی که از زمان عقد قرارداد تا اجرا و بهره‌برداری از آنها به طور میانگین هشت تا ۱۰ سال طول کشیده است، در حدود چهار سال و با قیمتی به‌مراتب پایین‌تر به بهره‌برداری خواهند رسید. شاید بیشتر جهت‌گیری‌های سیاسی و نگاه‌های یک‌جانبه‌گرایانه اجازه نمی‌دهند که منتقدان مدل جدید قراردادهای نفتی به‌خوبی از منافع ملی دفاع کنند.

نگاه

«توسعه صنعتی» گامی به پس؟!

حسین حقگو . کارشناس اقتصادی

● ۱- رشد صنعت در جدول پیوست لایحه دولت برای برنامه ششم توسعه، سالانه ۹٫۳ درصد هدف‌گذاری شده است. متوسط رشد محقق‌شده این بخش در برنامه اول (۷۲-۶۸) همین رقم (۹٫۳ درصد) و در برنامه دوم (۷۸-۷۴) با کاهش دودرصدی به ۷٫۴ درصد رسید. اما درخشان‌ترین دوره صنعت در دوران برنامه سوم (۸۳-۷۹) و دستیابی به متوسط رشد ارزش‌افزوده سالانه ۱۰٫۶ درصد بوده است که جز در سال‌های برنامه چهارم و پنجم عمرانی قبل از انقلاب سابقه نداشته است. اما متأسفانه این حرکت با تغییر فضای سیاسی و روی‌کار آمدن دولت‌های هشتم و نهم رو به افول نهاد و در سال‌های برنامه چهارم (۸۹-۸۴) به هفت درصد کاهش یافت و در چهار سال ابتدای اجرای برنامه پنجم (۹۳-۹۰) به ۰٫۳ درصد سقوط کرد. بررسی این فرازوفزود به‌خوبی نشان می‌دهد در دوره‌هایی که صنعت و توسعه صنعتی محور سیاست‌های اقتصادی کشور بوده است و مؤلفه‌های اقتصاد کلان (نرخ ارز، سود بانکی، تعرفه و...) در جهت فضاسازی و حرکت منسجم و منطقی صنعت و برای بازی فعالان صنعتی مهیا شده است، عملکرد این بخش بهترین عملکرد نقش پیش‌برنده در سایر بخش‌های اقتصادی کشور داشته است و در غیراین‌صورت، هم خود این بخش دچار مشکل شده و هم کل اقتصاد را با خود به پایین کشیده است. چنان که در دو برنامه اول و سوم که بیشترین رشد صنعتی واقع شد، تولید ناخالص داخلی نیز بهترین عملکرد را داشته است (۶٫۶ درصد) و در سه برنامه دیگر متناسب با کاهش رشد صنعت، رشد کلان اقتصادی نیز دچار تشبیب شده است (برنامه دوم ۴٫۳ درصد، چهارم ۵٫۹ درصد و چهارساله برنامه پنجم ۱٫۵ درصد).

۲- نکته دوم اما در چرایی این فرازوشبیب‌هاست و اینکه چرا رشد‌ها دواوم نداشته و بیش از یک برنامه عمر نکرده و دچار نزول شده است. اعتقاد بسیاری از کارشناسان آن است که علاوه بر علل مختلف خرد و کلان در عرصه‌های داخلی و خارجی و مؤلفه‌های اقتصاد سیاسی، یکی از عوامل مهم، فقدان سند راهبردی در حوزه توسعه صنعتی یا همان «استراتژی توسعه صنعتی» است. درواقع گروه بزرگی از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران چه درون دولت و چه در بخش خصوصی و نیز کارشناسان مستقل و به‌ویژه صنعتگران و تشکل‌های مرتبط با آنان حدود دو دهه است بر ضرورت وجود چنین متن راهبردی‌ای به‌عنوان قطب‌نما یا نقشه راه توسعه صنعتی کشور اصرار و تأکید داشته‌اند و ثمره این تأکیدات، لحاظ‌شدن این خواست در قالب دو ماده از برنامه‌های چهارم (ماده ۲۱) و پنجم (ماده ۱۵۰) توسعه و انجام چند طرح مطالعاتی و نمونه ارزشمند آن «طرح مطالعاتی استراتژی توسعه صنعتی» (دکتر نیک و همکاران ۱۳۸۲) بوده است. اما متأسفانه این تأکیدات قانونی و این طرح‌های مطالعاتی در یکی، دو دهه نتوانسته لباس اجرایی به خود ببوشد و این سند راهبردی تدوین اما هیچ‌گاه مصوب و اجرایی نشده است. با شروع تدوین لایحه برنامه ششم توسعه، امید بسیاری از فعالان صنعتی و اقتصادی و کارشناسان لحاظ‌شدن خواست تدوین «استراتژی توسعه صنعتی»، در این برنامه بود که متأسفانه در لایحه پیشنهادی دولت - با وجود هم‌نظری معاون اول رئیس‌جمهور که خود از حامیان این امر بوده و در دوران خود ایشان در وزارت صنایع و معادن کار ارزشمند طرح مطالعاتی استراتژی توسعه صنعتی صورت گرفت - این خواست لحاظ نشد. این در حالی است که در ۳۵ ماده لایحه برنامه گاه به مواردی نه‌چندان اساسی و مهم و گاه تکراری برمی‌خوریم (ازجمله مواد ۱۲، ۱۴، ۱۷، و...) که خالی‌بودن ماده برای تدوین «سند راهبردی توسعه صنعتی» کشور را به‌عنوان یک الزام قانونی، تعجب‌برانگیزتر می‌کند. نکته جالب آن است که در اسناد پیوست متن لایحه به پروژه‌هایی برمی‌خوریم که انجام آنها در نبود یک سند بالادستی یا همان «استراتژی توسعه صنعتی» جز سازم‌زندی باز هم بیشتر پیکره صنعت به‌عنوان حوزه محوری و مرحله‌ای از توسعه اقتصادی ثمری دربر نخواهد داشت؛ پروژه‌هایی مانند «ارتقای رقابت‌پذیری واحدهای تولیدی صنایع کوچک و متوسط با هدف افزایش صادرات»، «ایجاد توازن زنجیره مواد اولیه موردنیاز توسعه صنعت فولاد و مس» و... به نظر می‌رسد حال که این مهم از چشم برنامه‌نویسان دولت غافل مانده است، خوب است نمایندگان مجلس اقدام به رفع این خلأ کرده و تدوین سند «استراتژی توسعه صنعتی» را به‌عنوان یک الزام قانونی در برنامه ششم بگنجانند (اقدامی که در برنامه قبلی چنان که اشاره شد صورت گرفته بود) تا پس از حدود شش دهه فعالیت صنعتی در کشور تصویری از آنچه باید در عرصه توسعه صنعتی به‌عنوان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی صورت گیرد را شاهد باشیم و هر چند سال به فرازوشبیب و اینکه چه باید کرد، دچار نشویم!

صنایع و واحدهای تولیدی مناطق آزاد است و بدون اخذ عوارض و حقوق ورودی، وارد محدوده مناطق و برای مصرف به این واحدها منتقل می‌شوند. ضمن اینکه محصولات حاصل از تولید صنایع مستقر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مشمول بهره‌مندی از مزیت‌های قانون ارزش‌افزوده‌اند و براساس درصد تعیین‌شده در کمیسیون ارزش‌افزوده که متشکل از نمایندگان سازمان‌های مختلف از جمله گمرک ایران است، از گمرک منطقه خارج می‌شود. بنابراین موضوع قاچاق کالا از مناطق آزاد از منتهی فواید و اصرار بر آن نشانه ضعف و فراقفتی سازمان‌های منولی از جمله گمرک و نیروی انتظامی است که باید وظایف خود را بیش‌ازپیش به‌درستی انجام دهند. ضمناً آمار کالا‌های وارده به مناطق آزاد حسب ماده سه مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد ماهانه برای ثبت آماری گمرکی به وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی، گمرک ایران، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه و نماینده سازمان منطقه آزاد ارسال می‌شود. به علاوه افزایش مناطق آزاد در راستای ساماندهی به موضوع قاچاق در مبادی خروجی است که متولیان امر ضعف‌های خود را با فراقفتی می‌خواهند به گردن مناطق آزاد یا طر افزایش مناطق آزاد در نواحی مرزی برای تجاری‌سازی فرصت‌های اقتصادی ایران با کشورهای همسایه بیندازد. نمایندگان مجلس دراین‌باره باید به‌هوش باشند تا فرصت پیش‌آمده برای توسعه مناطق مرزی از طریق مناطق آزاد از کف نرود.